

بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نیافتگی استان کردستان با تأکید بر توسعه فرهنگی

چنور دیداری* ، رضا علی محسنی** ، محمدحسین بحرانی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۶

چکیده

یکی از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه تمرکز شدید و تعادل نامتوازن است، برای ایجاد تعادل و توسعه همه‌جانبه در کشور مطالعه و پژوهش درباره مناطق کمتر توسعه‌یافته جهت برنامه‌ریزی‌های آینده امری لازم و ضروری می‌باشد، این مقاله به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نیافتگی استان کردستان پرداخته است. نوع تحقیق کاربردی و روش آن تلفیقی از تحلیل محتوا و تحلیل مقایسه‌ای است. از نرم‌افزار $max\ QDA$ برای تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده با صاحب‌نظران استان و تحلیل مقایسه‌ای آمار اخذ شده از مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ استفاده شده است. بر اساس دیدگاه

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی.
didari.cho@gmail.com

** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی. (نویسنده مسئول).
mohseni.net14@gmail.com

*** دکتری جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی.
bahrani.50@yahoo.com

پارسونز و گرب و نظریه دولت‌محوری، تأثیر ایدئولوژی و ساختار قدرت بر خرده نظام فرهنگی و تأثیر خرده نظام فرهنگی بر خرده نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، علل توسعه‌یافتگی تبیین شده است. فرض اساسی این پژوهش که فرهنگ یک متغیر بسیار مهم در دستیابی به توسعه است، تأیید گردیده است. بر اساس دیدگاه‌های نظری، توسعه فرهنگی پیش‌شرط توسعه همه‌جانبه است؛ بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان با تأکید بر نقش دولت، ساختار قدرت و ایدئولوژی در راستای حمایت و استفاده از ظرفیت‌های قومی و بومی و تأکید بر این امر که محوریت توسعه مشارکت است. بر این اساس سیاست‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی در راستای مشارکت اقوام و نخبگان آن‌ها، ارتقاء شاخص‌های توسعه فرهنگی و استفاده از ظرفیت رسانه و صنایع فرهنگی از سوی نهادها، همچنین دوری از فرایندهای آسیب‌زایی مانند تبعیض و تمرکزگرایی، موجبات بهبود شاخص‌های کیفیت زندگی، افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی و توسعه استان کردستان را فراهم می‌آورد.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه فرهنگی، ایدئولوژی، ساختار قدرت، توسعه همه‌جانبه، کردستان

مقدمه و طرح مسئله

امروزه مقوله توسعه دغدغه بسیاری از کشورها می‌باشد، عمده نظریه‌پردازان توسعه بر کاهش نابرابری‌های موجود و رفع دوگانگی‌ها به‌عنوان یکی از اهداف اساسی توسعه تأکید دارند، بر این اساس مطالعه سطح توسعه‌یافتگی یکی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات جهت رفع موانع است. از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه تمرکزگرایی بالا و تعادل نامتوازن و محدود است که معلول سیاست‌های رشد قطبی به شمار می‌آید. شناخت و تجزیه و تحلیل وضعیت مناطق در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گام مهمی در فرآیند برنامه‌ریزی برای توسعه است. همان‌طوری که روند توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف جهان دارای مراتب و

مراحل گوناگون است، در داخل یک کشور نیز روند توسعه یافتگی در بین استان‌ها و مناطق مختلف یکسان نبوده و به‌طور نسبی نابرابری‌های ناحیه‌ای در اشکال و سطوح مختلف می‌تواند پیامدهای نامتوازن و نامطلوبی داشته باشد. (Pacion, 2003: 291).

از نظر اقلیمی و همچنین عوامل مختلف اجتماعی - اقتصادی؛ توسعه نامتوازن نواحی و استان‌های کشور می‌تواند در اثر توزیع فضای ناهمگن منابع، تعریف نامشخص در برخی موارد و نادرستی جایگاه آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی اتفاق افتد؛ شناخت ناقص اهمیت آن در تعادل بخشی و تنظیم نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و همچنین توزیع بهینه منابع و فعالیت‌ها از سوی سیاست‌گذاران نیز می‌تواند باعث کم‌اثرتر شدن برنامه‌های توسعه گردد (آسایش، ۱۳۸۱: ۶۸). همچنین سطوح توسعه در شهرستان‌ها درون یک استان نیز متفاوت می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر؛ به سبب توجه ناکافی به امکانات بالقوه منطقه‌ای و همچنین سیاست و نگاه غیرعادلانه دولتمردان به تمام استان و... نابرابری‌های فضایی و سطح توسعه‌یافتگی در شهرستان‌های یک استان ممکن است در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات، سطوح توسعه با یکدیگر به‌طور نسبی از توازن برخوردار نباشد (کلانتری، ۱۳۹۳: ۲۲).

مطالعه و شناخت اقشار مختلف جامعه به‌عنوان نیروی انسانی و فکری و محوری‌ترین عنصر توسعه و توجه به مطالبات و انتظارات آنان برای تقویت وفاق ملی و کم‌کردن هزینه‌های ناشی از نارضایتی و احیاناً درگیری‌های اجتماعی از ضرورت بالایی برخوردار بوده و در جوامعی که ساختار آن از تکثر قومی و فرهنگی بهره‌مند است، نگاه و حساسیت ویژه‌تری می‌طلبد. در ایران نیز به‌عنوان جامعه‌ای متکثر از نظر فرهنگی و قومی پرداختن سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به توزیع عادلانه امکانات و منابع آموزشی، بهداشتی، صنعتی و... در میان مناطق مختلف خصوصاً مناطقی که تاکنون کمتر مورد توجه بوده‌اند، به‌منظور تأمین امنیت داخلی و تحکیم مناسبات خارجی و نیز دستیابی به توسعه متوازن، اهمیت ویژه‌ای دارد (کوهشکاف، ۱۳۷۸: ۳). موسسه

مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ایران در سال ۱۳۸۶ در مطالعه‌ای با عنوان روش‌های تحلیل چند متغیره و کاربرد آن در سطح‌بندی استان‌های کشور با استفاده از مجموعه‌ای از شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی و کاربرد روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای استان‌های کشور را در چهار حوزه اقتصادی، اجتماعی، زیربنایی و محیط‌زیستی سطح‌بندی نموده است.

بر اساس نتایج این مقاله استان‌های کشور در شرایط ناهمگن و نامتوازنی قرار گرفته‌اند و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، تهران و سمنان به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم و استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان و همدان به ترتیب در رتبه‌های آخر قرار گرفتند. رتبه استان کردستان بر اساس بررسی‌های انجام شده و با استفاده از تحقیقات چندساله اخیر و دسته‌بندی شاخص‌های توسعه جزء استان‌های با سطح توسعه نازل محسوب می‌گردد. محرومیت و توسعه‌نیافتگی مناطق کُردنشین کشور ابزار مناسبی برای توسل به حرکات خشن و مسلحانه رهبران سیاسی احزاب کرد در داخل و خارج از مرزهای کشور خواهد بود و توده مردم محروم منطقه را با سهولت بیشتری در جهت دستیابی به خواسته‌های خود بسیج خواهند کرد و به عمومیت بخشی حرکات سیاسی قومی در سطح مردم منطقه مُنجر خواهد شد. این امر امنیت ملی و وفاق و همبستگی را در میان اقوام ایرانی، که طی تاریخ مشترک چند هزارساله آنان در جامعه ایرانی حاصل شده است، تضعیف خواهد نمود. در این پژوهش با نشان دادن نابرابری‌ها و توسعه‌نیافتگی استان کردستان در مقایسه با استان‌های دیگر و با بهره‌گیری از روش تحلیل مقایسه‌ای و تحلیل محتوای کیفی به بررسی این نابرابری‌ها که برآیند عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است پرداخته شده است.

ملاحظات نظری

مفهوم توسعه و توسعه‌یافتگی تقریباً از نیمه دوم قرن بیستم در جهان متداول شده است. توسعه واژه‌ای است که از نظر مفهومی روند تکاملی خود را در طول زمان طی نموده و

اصطلاحات جدیدی به آن افزوده شده و معنا و مفهوم متفاوتی یافته است. ابعاد مختلف توسعه همه‌جانبه عبارت‌اند از: توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و اجتماعی و توسعه امنیتی یا دفاعی (ارمکی، ۱۳۸۶: ۸). توسعه اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد در نیمه دوم دهه بیستم به شمار می‌رود. در تعریف، توسعه اقتصادی به‌عنوان فراگردی معرفی می‌شود که درآمد سرانه واقعی یک کشور طی یک دوره بلندمدت افزایش می‌یابد (Mir, 1999: 35). نکته قابل‌توجه، تمایز قائل شدن بین توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی است. در واقع رشد اقتصادی^۱، مفهومی کیفی است. "توسعه اقتصادی" عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی (Gilis, 2000: 638).

از توسعه سیاسی تعاریف گوناگونی ارائه شده است. لوسین پای نظریه‌پرداز توسعه سیاسی چند ویژگی برای این مفهوم از جمله: لزوم توسعه اقتصادی، نوسازی سیاسی، غلبه دولت ملی بر رقبا سنتی، توسعه اقتصادی-اداری، بسیج و مشارکت فعالانه مردم، استمرار دموکراسی و یکی از جنبه‌های تغییر اجتماعی را برمی‌شمارد و در نهایت تعریفش از توسعه سیاسی را این‌چنین ارائه می‌دهد: «توسعه سیاسی عبارت است از کارایی بالای حکومت، که لازمه آن افزایش کارایی اجرایی و ظرفیت بیشتر در سیاست عمومی است» (وفایی، ۱۳۸۰: ۱۷۳). مجموعه افرادی که دستگاه هیأت حاکم یک کشور را تشکیل می‌دهند از فرهنگ سیاسی خاصی برخوردارند و به تناسب ماهیت نظام سیاسی، این فرهنگ سیاسی نیز متمایز می‌شود (Verba, 1980: 404). نظام باورهایی که این عده با خود به‌صورت آگاهانه و ناآگاهانه حمل می‌کنند، در فهم نحوه مدیریت و نظام تصمیم‌گیری، چگونگی حل و فصل مسائل جامعه و آداب تعامل با مردم که نظام بین‌المللی را مشخص می‌کند، یاریگر است. رابطه‌ای که از منظر تحقیقاتی بسیار مشکل است، فهم چگونگی اثرگذاری باورها و ارزش‌ها در نحوه مدیریت و

عملکرد نظام‌های سیاسی است. در نظام‌های سیاسی متفاوت، فرهنگ سیاسی از سه بُعد می‌تواند نشأت گیرد (Rosenbaum, 1975: 58).

الف- ابعاد شناختی: دانش نسبت به نظام سیاسی، نهادها و مسئولین آن، ورودی‌ها و خروجی‌های نظام سیاسی.

ب- ابعاد احساسی: احساساتی که شهروند نسبت به نظام سیاسی و مسئولین و عملکرد آن‌ها دارد.

پ- نحوه تجزیه و تحلیل شهروندان از مسائل سیاسی جامعه و کشور خود. توسعه اجتماعی با تقسیم حیات اجتماعی به چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خاص‌تر شده است و مؤلفه‌های آن حول انسجام و یگانگی، از هویت و استقلال نسبی و منطق درونی خاصی برخوردار شده است. عدم توجه به دو عامل انسجام و یگانگی به صورت آسیب‌های اجتماعی، طراوت و شادابی حیات اجتماعی را تهدید می‌کند (عبداللهی و دیگران، ۱۳۶۷). با وجود تنوع تعاریف و تعبیر ارائه شده از توسعه اجتماعی، می‌توان آن را در سه سطح کلی‌تر پیگیری و طبقه‌بندی کرد:

۱- توسعه اجتماعی به عنوان توسعه شاخص‌های رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی؛
۲- توسعه اجتماعی به عنوان پیامدها یا کاربردهای برگرفته و مشتقات مفهوم "اجتماعی"؛

۳- توسعه اجتماعی به عنوان نتایج مطلوب اجتماعی مثل مشارکت در جبهه توسعه (موسایی، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

مفهوم توسعه فرهنگی به عنوان زمینه‌ساز شکل‌گیری توسعه‌ای همه‌جانبه مطرح می‌شود. تعبیر مختلفی درباره توسعه فرهنگی وجود دارد، اما می‌توان تعریف زیرار گوستین را یکی از تعاریف قابل توجه این مفهوم برشمرد: «ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان، افزایش علم و دانش انسان‌ها، آمادگی برای تحول، پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه مانند قانون

پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی، افزایش توانایی‌های علمی، اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه» (زرین قلم، ۱۳۷۴: ۱۱۲). ارزش‌های هر ملت باعث همبستگی افراد در حفظ شئون و خصائص آن ملت می‌گردد. منظور از ارزش‌های اجتماعی فقط اعتقادات و آداب‌ورسوم مبتنی بر اخلاق و منطقی خاص نیست؛ بلکه هر نوع ارزشی است که صورت اجتماعی به خود گرفته، مقبولیت و مشروعیت می‌یابد و یکی از خصوصیات افراد را در یک کشور یا یک جامعه نشان می‌دهد:

۱. **ایدئولوژی و ارزش‌ها:** ایدئولوژی عبارت است از سیستمی از ایده‌ها و قضاوت‌های روشن و صریح و عموماً سازمان‌یافته که موقعیت یک گروه یا جامعه را توجیه و تفسیر می‌کند. این سیستم با الهام و تأثیرپذیری شدید از ارزش‌ها، جهت مشخصی را برای آن گروه یا جامعه تعیین می‌کند. لئون دیون جامعه‌شناس کانادایی اصطلاح «سیستم» را برای ایدئولوژی به کار برد، چرا که ایدئولوژی در درون فرهنگ به‌عنوان مجموعه‌ای کاملاً بهم‌پیوسته، هماهنگ و سازمان‌یافته از نظرات و ادراکات تجلی‌بخش، محسوب می‌گردد. ارزش‌هایی که ایدئولوژی بر مبنای آن‌ها استوار است، در قالب افراد جامعه متجلی می‌شوند.

۲. **شرایط جغرافیایی و طبیعی:** شرایط جغرافیایی از دو جنبه منابع طبیعی در دسترس و مبادلات فرهنگی اقتصادی، عامل مؤثری در شکل‌گیری ساختار فرهنگی یک جامعه است و می‌تواند به‌صورت مثبت یا منفی در هر هویت کلی باورهای فردی و اجتماعی و نهایتاً نحوه فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی، که خود پیکره یک جامعه را شکل می‌دهند، نقش اساسی و جدی ایفا نماید.

۳. **تحولات تاریخی، قدرت سیاسی و نظامی، نوع حکومت‌ها:** تحولات تاریخی از قبیل جنگ‌ها، حوادث طبیعی و غیره در پیدایش افکار و باورهای انسان‌ها دخیل‌اند. از نظر عظیمی برای تحقق توسعه دو راهبرد قابل‌تصور است: یکی با

محوریت تحول فرهنگی یا حکومت اندیشه و کلام و دیگری با محوریت تحول فیزیکی یا حکومت سرمایه (عظیمی، ۱۳۷۶: ۵۵)؛ عظیمی مشکل اساسی اقتصاد ایران را بینش، تفکر و اندیشه می‌داند و معتقد است که در تدوین برنامه‌های توسعه نیز باید بر این مفاهیم تکیه کرد.

در مجموع توسعه فرهنگی را می‌توان فرآیند ارتقاء شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف مطلوب دانست که زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان‌ها خواهد شد. منظور از شئون گوناگون فرهنگ، نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و آداب و رسوم می‌باشد. هدف نهایی توسعه فرهنگی در این تعریف در واقع غرض اصلی هر نوع توسعه‌ای است؛ یعنی رشد و تعالی انسان، در ابعاد مادی و معنوی. توسعه واقعی هرگز از طریق فشار از بالا محقق نخواهد شد، این حکومت‌ها نیستند که توسعه به مبنای واقعی آن را محقق می‌کنند بلکه توسعه به دست مردمی از همه قشرها و طبقات اجتماعی محقق می‌شود که شایستگی و بلوغ لازم برای رسیدن به توسعه را پیدا کرده باشند. از نشانه‌های ضروری این بلوغ صرف‌نظر از آمادگی پذیرش مسئولیت، کار جدی و سازنده، نهادینه شدن نقادی قدرت و درک ضرورت مهار کردن آن است. فرآیند قدرت از برهم‌کنش دو دسته کنشگر ساخته می‌شود: زورآوران و زورپذیران یا زورگویان و زورپرستان. قدرت در همه شکل‌های بروز آن از فرهنگی و سیاسی و اجتماعی، جنسیتی و علمی گرفته تا ارتباطی و نظامی و بین‌المللی در پی بازتولید و جاودانه سازی خود از طریق تقویت‌کننده‌های اقتصادی است این گرایش تبعیض جوی و برتری طلب قدرت به‌ویژه در خارج از دایره اقتدار مدرنیته و در غیاب دموکراسی به شکل آسیب‌رسان و ویران‌کننده‌ای تشدید می‌شود؛ به همین دلیل است که فرآیند توسعه در کشورهای در حال توسعه که با انباشت قدرت همراه است، از طریق افزودن بر فاصله و شکاف میان منزلت‌های اقتصادی کنشگران درگیر در فرآیند قدرت به تشدید نابرابری‌ها منجر می‌شود. (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

پیشینه تحقیق

اندازه‌گیری و سطح‌بندی میزان توسعه مناطق (استان‌ها) در ایران با استفاده از مجموعه‌ای از شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی، موضوع مطالعات مختلفی بوده است. توفیق (۱۳۷۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌های منطقه‌ای»، با استفاده از چهار شاخص نرخ شهرنشینی، نسبت به جمعیت استان، نسبت هزینه‌های غیرخوراکی خانوارها به کل هزینه‌ها و نسبت خانوارهای برخوردار از آب‌لوله‌کشی، برق و تلفن؛ با استفاده از روش تحلیل عاملی شاخص ترکیبی برای استان‌های کشور تهیه و آن‌ها را بر اساس این شاخص سطح‌بندی کرد.

امیر احمدی (۱۳۷۵) در مقاله‌ای با عنوان «پویایی‌شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران» علل اصلی روندهای مشاهده شده در زمینه تفاوت‌های منطقه‌ای استانی و سیاست‌های دولتی را مورد بررسی قرار داد. او برای تعیین تفاوت‌های استان‌ها از منظر برخورداری از شاخص‌های توسعه، استان‌های ایران را در دو مقطع ۵۵-۱۳۳۵ و ۶۳-۱۳۵۵ با استفاده از ۱۳ شاخص مورد بررسی قرار داد. برای ساختن شاخص ترکیبی از ضریب تغییرات و Z استاندارد استفاده کرد. بر اساس نتایج این تحقیق و تهیه شاخص ترکیبی استان‌ها در سه سطح توسعه‌یافته، نسبتاً توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته طبقه‌بندی شدند.

امیر احمدی (۱۳۷۵) در مقاله‌ای با عنوان «پویایی‌شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران» علل اصلی روندهای مشاهده شده در زمینه تفاوت‌های استانی را سیاست‌های دولتی مطرح می‌نماید. همچنین محمد پور (۱۳۸۰) در پژوهش خود با عنوان «فرآیند و پیامدهای نوسازی در کردستان فرایند نوسازی در شهرستان سردشت در مسیر تاریخی خود تحت تأثیر نظام سیاسی و دولت قرار داشته است و بنابراین از روند کلی توسعه فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی کشور عقب‌تر است.

توسط سرایی و همکاران مقاله‌ای با عنوان سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی در سال ۱۳۹۳ نوشته شده و نتایج تحقیق حاکی از آن است که شاخص‌های فرهنگی در شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد به صورت متوازن توزیع نشده و اختلاف فاحشی بین شهرستان‌ها به دلیل برخورداری بیشتر از مؤلفه‌هایی همچون سرانه کتابخانه‌ها، تعداد کتاب موجود کتابخانه‌ها، سرانه سالن، نمایشگاه‌های فرهنگی که دارای وزن بالاتری بوده‌اند وجود دارد.

توسط میره‌ای و همکاران مقاله‌ای با عنوان پژوهشی بر توسعه‌یافتگی و نابرابری‌های آن در استان لرستان در سال ۱۳۹۵ نوشته شده، نتایج حاکی از آن است که امکانات محیطی و محورهای توسعه، محدودیت‌های صنعتی و شبکه‌های زیربنایی عمده، نقش مؤثری در سطوح برخورداری شهرستان‌ها دارند.

در کشور فیلیپین سطح توسعه استان‌های این کشور با استفاده از مجموعه‌ای متغیرها و شاخص‌های فرعی و کاربرد روش موریس^۱ برای سال‌های ۱۹۹۴، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ محاسبه شد (اخوی، ۱۳۷۳: ۶۱).

ژوزف استگلitz^۲ در سال ۲۰۰۲ در مقاله مشارکت و توسعه و چشم اندازهای به‌دست‌آمده از پارادایم جامع توسعه رابطه میان توسعه اقتصادی و اجتماعی را بررسی می‌کند. مخالف با دیدگاه افرادی که به وجود مبادله میان دموکراسی و رشد معتقد هستند، این مقاله ادعا می‌کند که دستیابی به اجماع، گفت‌وگوی آزاد و ارتقای جامعه مدنی فعال مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار بلندمدت هستند. توسعه یک فرایند مشارکتی است. بهترین روش‌ها یا اصلاحاتی که در یک کشور از طریق شرطی‌سازی اعمال می‌گردند ممکن است تغییر ماندگاری ایجاد نکنند. مشارکت و دموکراسی به‌نوبه خود در بخش‌های شرکتی و دولتی با شفافیت و پاسخگویی بیشتری ارتباط خواهند داشت.

1. Moriss
2. Joseph Stiglitz

بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نیافتگی استان کردستان ... ۲۰۱

در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۴ برای محاسبه سطح توسعه مناطق و استان‌های کشور ترکیه انجام شد، یک شاخص ترکیبی توسعه اقتصادی - اجتماعی به‌منظور سطح‌بندی مناطق و استان‌های این کشور با عنوان شاخص توسعه اقتصادی - اجتماعی (SEDI) تهیه شد. برای ساختن این شاخص ترکیبی از ۵۸ متغیر و برای تهیه شاخص‌های ترکیبی از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) استفاده شد.

میرون^۱ و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان شاخص‌های رشد اقتصادی - منطقه‌ای در رومانی، بر پایه ۹ شاخص توسعه و استفاده از روش تحلیل عاملی شاخص ترکیبی را برای ۸ منطقه کشور تهیه و این مناطق را سطح‌بندی کرد.

اکسیس ماندی^۲ در مقاله نقش گردآوری‌های جامعه در توسعه فرهنگی در سال ۲۰۱۰، اطلاعات گردآوری شده همواره برای توسعه جامعه حیاتی هستند زیرا هم‌ترازی‌های اجتماعی مهمی در داخل یک گروه به وجود می‌آورند: جشنواره‌ها، مناسک گذار، جشن‌ها، مراسم و تشریفات بخش‌های اساسی توسعه ما به‌عنوان انسان‌ها هستند.

والنتین جی نیمرووسکی^۳ در مقاله ویژگی‌های توسعه اجتماعی و فرهنگی در اقلیم کراسنویارسک در سال ۲۰۱۰، داده‌هایی را ارائه می‌کند که اعتماد اجتماعی به مراجع محلی، نهادهای اجتماعی و سازمان‌ها و همچنین جهت‌گیری‌های ارزشی آن‌ها را توصیف می‌کند که تصویر آینده مطلوب پاسخ‌دهندگان را منعکس می‌سازد.

گزارش چشم‌اندازهای توسعه جهانی ۲۰۱۲، انسجام اجتماعی در جهان در حال تغییر، این گزارش بیان می‌کند که انسجام اجتماعی به‌خودی‌خود هدف ارزشمندی است و در حفظ رشد اقتصادی بلندمدت نقش دارد. این گزارش بر نیاز برای هماهنگی در سیاست‌گذاری به دلیل این‌که سیاست‌ها در این حوزه‌ها بر اساس اثر آن‌ها بر نتایج

-
1. Miron
 2. Axis Mundi
 3. Valentin G Nimrophski

اجتماعی در تعامل با یکدیگر هستند، هر حوزه سیاست باید با توجه به حوزه‌های دیگر طراحی شود.

چارچوب مفهومی

در دیدگاه‌های مربوط به توسعه و توسعه‌نیافتگی، مفهوم توسعه یک واقعیت تلقی می‌شود اما از منظر پساتوسعه، این مفهوم همچون یک اختراع، سیاست و اصطلاح انگاشته می‌شود، از این‌رو وابسته به گفتمان است، یعنی مفهومی فرهنگی و سیاسی به حساب می‌آید تا طبیعی و اجتناب‌ناپذیر (عنبری، ۱۳۹۵: ۱۵۳).

نظریه دولت‌محوری اهمیت نقش نظام‌های سیاسی در توسعه جوامع را مطرح می‌کند، برخی نظریه‌پردازان در مکاتب متفاوت توسعه و توسعه‌نیافتگی نقش‌های متفاوتی برای دولت در زمینه اعمال توسعه و بسترسازی برای آن عنوان کرده‌اند. یکی از نظریات در این حوزه نظریه تقدم دولت است. بر اساس نظریه تقدم دولت درک کنشگران دولتی از منافع خودشان تعیین‌کننده روابط اقتصادی است که در جامعه متداول می‌شود. دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه به عنوان هویت‌های سیاسی جدا از ملت در نظر گرفته می‌شوند و بنابراین برخی متفکرین معتقدند که در نظر گرفتن دولت - ملت‌ها به عنوان راه‌حلی برای توسعه کشورهای در حال توسعه، یک اشتباه بزرگ است. دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه نه ابزار سرمایه بین‌المللی و نه بورژوازی بومی هستند بلکه کنشگرانی عاقل هستند که اقتصاد خود را صنعتی می‌کنند. باین‌حال برخی دیگر از نظریه‌پردازان مانند وارن معتقدند که دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند نشان دهند که در اتخاذ مواضع سنگین علیه شرکت‌های خارجی موجود در قلمرو آن‌ها واکنش‌های شدیدی نشان دهند.

کلافام در زمینه نقش دولت عنوان می‌دارد که دولت در کشورهای در حال توسعه نه پدر مابانه بلکه به سبک پدر مابانه جدید درآمده است به شیوه‌ای که بر کل نظام مدیریتی - سیاسی به صورت رسمی اقتدار دارند و خط‌مشی‌های قانونی - حقوقی اتخاذ

می‌کنند. آن‌ها بر همه حوزه‌های عمومی و خصوصی جامعه نظارت تام دارند و می‌توانند نقش مهمی در توسعه داخلی کشور داشته باشند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۷۰). در گفتمان بازاندیشی، توسعه امری در متن فرهنگ و تاریخ تلقی می‌شود. بنابراین فرض قاهریت توسعه، آسیب‌زا و تخریب‌گر قلمداد می‌شود. در این اندیشه، توسعه امری اجتماعی و فرهنگی است و از قانون جز تاریخ، باورها، کنش‌ها و رفتارهای فرهنگی مردم تبعیت نمی‌کند، فرض اشاعه، تقلید انتقال و اجبار توسعه کاملاً نادرست است و نتیجه‌ای جز تخریب و مخاطره ندارد (عنبری، ۱۳۹۵: ۴۰۵). پارسونز با توسل به نظریه سیبرنتیک می‌گوید میان نظام‌های چندگانه یک جامعه مبادله انرژی و اطلاعات صورت می‌گیرد. به موجب یک اصل بنیادی سیبرنتیک، اجزایی که از لحاظ اطلاعات غنی‌ترند بر اجزایی که انرژی‌شان بیشتر است نظارت (کنترل) اعمال می‌کنند. به‌طور کلی، پارسونز فرهنگ را دارای بیشترین اطلاعات و کم‌ترین انرژی و اقتصاد را دارای کم‌ترین اطلاعات و بیشترین انرژی می‌داند؛ بر اساس چنین دیدگاهی، فرهنگ عرضه‌کننده اطلاعات به خرده نظام‌های پایین‌تر بوده و اقتصاد نیز به خرده نظام‌های بالاتر از خود انرژی عرضه می‌کند.

به نظر پارسونز «در نظام اجتماعی، تشخیص علیت اجتماعی بسیار پیچیده است، چرا که تمام نهادها، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی، با هم عمل می‌کنند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. او برخلاف نظر مارکس، نهادهای فرهنگی، سیاسی، حقوقی و دینی را روبنا نمی‌داند و برای آن‌ها قائل به تأثیر بنیانی است» (توسلی، ۱۳۸۲: ۲۴۱). پارسونز این داعیه را مطرح می‌کند که در نهایت ارزش‌ها، به‌عنوان مهم‌ترین اجزای فرهنگ هستند که جهت و معنای کنش را تعیین می‌کنند. بسیاری از جامعه‌شناسان دیگر نیز در بحث از تحولات اجتماعی تأکید خاصی بر ارزش‌ها دارند. از نظر آن‌ها، یکی از مهم‌ترین عناصر توسعه، به‌طور اعم و توسعه اجتماعی، به‌طور اخص، وجود باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های همسو و مقوم آن در جامعه است. اساساً بسیاری از

صاحب‌نظران علوم اجتماعی، همچون وبر، مک کللند و پارسونز، تأکید خاصی بر نقش باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها و به‌طور کلی، نظام‌های فرهنگی، در تحقق توسعه دارند.

جدول سلسله مراتبی تالکوت پارسونز



قدرت به‌عنوان «توانایی‌های متفاوت در کنترل منابع» موجب پیدایش روابط ساختاری و نامتقارن سلطه و فرمانبرداری کنشگران اجتماعی شده است. قدرت به‌طور معمول به‌وسیله سه ابزار کلیدی در نظام‌های اجتماعی به وجود می‌آید: کنترل بر منابع مادی، مردم و عقاید؛ ابزار اول و دوم قدرت مربوط به مفهوم‌سازی گیدنز یعنی

1. Information
2. Latency
3. Integration
4. Goal Attainment
5. Adaptation
6. Fiduciary
7. Social Community
8. Polity
9. Economy

«تخصیص» و «اقتدار» است که شباهت‌های زیادی را با «منابع انسانی و غیرانسانی» کلمه گلدترپ دارد. سومین ابزار برای ایجاد قدرت یعنی این‌که عقاید و اطلاعات مانند پول و افراد می‌توانند ابزاری برای دستیابی به قدرت باشند. ترکیب مقوله قدرت ایدئولوژیکی با دو نوع دیگر با تقسیم سه‌طرفه ساختارهای اجتماعی «اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی» که به نظر می‌رسد بسیاری از نظریه‌پردازان از آن حمایت می‌کنند، مطابقت داشته باشد. بنابراین در لوای هریک از ابزارهای قدرت، سه ساختار ملازم وجود دارد: اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی. این ساختارهای اجتماعی را می‌توان به طرق مختلف تحلیل کرد. کنترل افراد ممکن است هدف اصلی ساختار سیاسی باشد.

تمام قدرت ساختارهای سیاسی که دولت را شکل می‌دهند از توانایی وضع قوانین و اعمال زور ناشی نمی‌شود، چرا که هم‌چنین منابع مادی را از طریق عایدی مالیات، مالکیت دولتی برخی تشکیلات اقتصادی بازرگانی و جز این‌ها کنترل می‌کنند. کنترل عقاید یا دانش به‌وسیله ساختارهای ایدئولوژیکی انجام می‌گیرد و درعین‌حال ابزاری برای حفظ قدرت در محدوده‌های دیگر نیز هست مانند دستیابی به دانش فنی خاص در ساختار اقتصادی و قدرت‌هایی که اطلاعات را در درون دولت جمع‌آوری می‌کنند. این قواعد رسمی و غیررسمی است که با یکدیگر ماهیت و میزان نابرابری را در جامعه مشخص می‌کنند و نشان می‌دهند که بنیان‌های اجتماعی نابرابری چه خواهد بود و هرکدام تا چه اندازه اهمیت دارد (Grab, 1999: 223-228). بر اساس نظریاتی که پیش‌ازاین آمد نگارنده معتقد است برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌تواند مبتنی بر نظریاتی که تجربه موفق در کشورهایی که کثرت‌گرایی فرهنگی در آن موجود است؛ مدنظر قرار گیرد و الگوبرداری از کشور با توجه به ویژگی‌های بومی با در نظر گرفتن سطح مشارکت و تقویت جامعه مدنی با ارتقای دانش و شناخت نسبت به جامعه و هم‌چنین ارزیابی احساس جامعه نسبت به عملکرد مسئولین اجرایی شود.

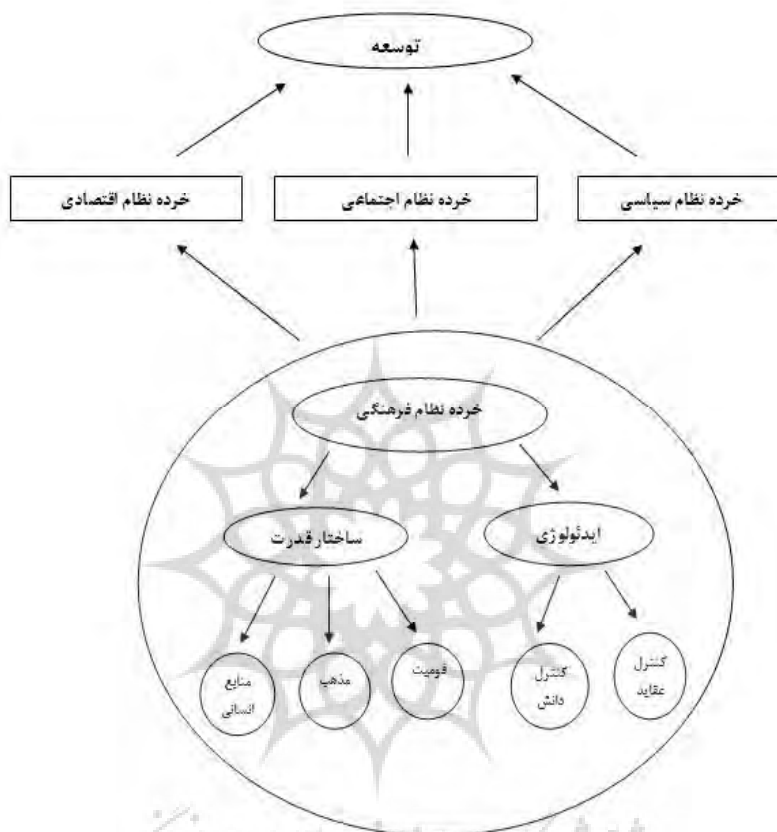
در کردستان پیش از بسترهای فرهنگی می‌بایست بسترهای اقتصادی و سیاسی تقویت شود این منطقه از نظر زبان و مذهب دارای مردمی کردزبان و اهل تسنن

می‌باشند، پس باید ظرفیت‌های این خصوصیات دیده شود و همچنین تبعیض از سوی دولت مرکزی نباید صورت پذیرد، این فرایند خود موجب روان‌تر شدن حرکت انرژی در سطوح مختلف توسعه و افزایش شناخت و سرمایه اجتماعی در جامعه و بخصوص این استان می‌گردد. از دیدگاه سیستمی ناکارآمدی هرکدام از زیر سیستم‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند موجبات ناکارآمدی کل سیستم را فراهم نماید. از رویکرد پارسونزی خطرناک‌ترین آفت و آسیب متلاویه یک سیستم عارضه‌ای است که به‌عنوان مداخله کردن و تفکیک زدایی در کار ویژه و کارکردی هرکدام از خرده نظام‌های زیرمجموعه سیستم است و همین عارضه به‌تنهایی کافی است تا کل سیستم را دچار فروپاشی نماید.

از دیدگاه گرب که مبنی بر ساختار قدرت، سلطه و نابرابری مطرح شده است، تأثیر خرده نظام‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر یکدیگر و تأثیرپذیری از ساختار قدرت و ایدئولوژی در جامعه مطرح شده است. ناکارآمدی ایدئولوژی حاکم بر جامعه موجبات ناکارآمدی ساختار قدرت و در نتیجه ناکارآمدی ساختار و خرده نظام‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خواهد شد و عدم توازن و تعادل در میان ساختارها و خرده نظام‌ها باعث توسعه‌نیافتگی می‌گردد. رویکرد دولت‌محوری نیز که به‌عنوان نظریه‌ای مکمل ارائه شده است، عملکرد و کنش‌های سیاسی دولت را عاملی مهم در توسعه جوامع به‌عنوان یک عامل داخلی می‌داند. دولت می‌تواند در شیوه تقسیم منابع ثروت و قدرت در قالب برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دخالت مستقیم و غیرمستقیم داشته باشد. از طرف دیگر می‌تواند بر چگونگی ورود شیوه‌های نوین تولید و چگونگی آمیزش آن‌ها، ابعاد سازنده و مخرب توسعه و حتی بسترهای تاریخی و مسیرهای متفاوت توسعه نیز از طریق اعمال قدرت و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی تأثیر داشته باشد. نامتعادل بودن سیستم‌ها و خرده‌نظام‌ها روی یکدیگر تأثیر متقابل داشته و عدم توسعه را به همراه خواهد داشت و تضعیف خرده نظام‌ها دقیقاً آفتی است که موجبات فروپاشی سیستم را فراهم می‌نماید.

۲۰۷ بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نیافتگی استان کردستان ...

بر اساس پیشینه تحقیق و مطالعات انجام شده مدل تحقیق طراحی گردید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرسش‌های پژوهش

نقش ساختار ایدئولوژیک بر خرده نظام فرهنگی چگونه مورد تحلیل واقع می‌شود؟

ساختارهای قدرت در خرده نظام فرهنگی چگونه ایفای نقش می‌کنند؟

توسعه‌نیافتگی در خرده نظام فرهنگی چه جایگاه و بازخوردی دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله روش پژوهش تلفیقی از دو روش کیفی و کمی است؛ در بخش کمی روش مورد استفاده، تحلیل مقایسه‌ای بر اساس آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ است که بر اساس شاخص‌های توسعه (نرخ اشتغال، بهداشت و آموزش و ...) رتبه استان در هر شاخص تعیین شده است، همچنین در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا به تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با ۳۰ نفر از صاحب‌نظران که شامل استادان دانشگاه، نمایندگان مجلس و مدیران استان کردستان بوده، بهره گرفته شده است. برای تحلیل مصاحبه‌ها از نرم‌افزار کیفی مکس کیو دی‌ای ۱۰ استفاده شده است؛ به کمک نرم‌افزار، نظریات مرتبط و چارچوب مفهومی و همچنین ادبیات تحقیق، پیشینه تحقیق و کدگذاری مصاحبه‌ها انجام شد و نتایج تحلیل‌ها در قالب نقشه مکس کیو دی‌ای ترسیم شد. در این پژوهش از ابزار توافق بین کدگذاران در نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای که امکان مقایسه کدگذاری دو فرد را به وجود می‌آورد که مستقل از یکدیگر سند مشابهی را کدگذاری می‌کنند، استفاده شده است که محل انطباق و عدم انطباق بخش‌های کدگذاری شده توسط دو محقق را برجسته می‌سازد. در نتیجه سطح معینی از پایایی به دست خواهد آمد در این پژوهش با کمک این ابزار محقق به‌سوی موارد اختلاف به بحث و تبادل‌نظر با کارشناسان و صاحب‌نظران پرداخته و مورد توافق‌ترین گزینه‌ها را انتخاب کرده تا بر پایایی کدگذاری افزوده شود. درصد محاسبه شده توسط نرم‌افزار بالای ۷۰ درصد توافق را نشان می‌دهد که نشان از پایایی و توافق بین کدگذاران است. بر این اساس ۹۰۶ کد، ۴۹۶ کد مختص مصاحبه مدیران، ۲۰۸ کد مختص مصاحبه نخبگان و استادان دانشگاه و ۲۰۲ کد مختص نمایندگان مجلس در نظر گرفته شد و مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی صورت گرفت.

قلمرو تحقیق

محدوده و منطقه‌ای که برای این تحقیق انتخاب شده استان کردستان می‌باشد. تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای (داده‌های کیفی) در شاخص توسعه فرهنگی: توجه ناکافی به فرهنگ غنی در استان (با توجه به وجود رشته زبان کردی در دانشگاه، فعالیت مرکز فرهنگی کردستان شناسی، برگزاری جشنواره‌های موسیقی، تئاتر خیابانی، چاپ نشریات متعدد در استان به زبان کردی)، بکارگیری محدود نخبگان، ایدئولوژی و نگرش خاص قومی و مذهبی، سیاست‌گذاری ناکارآمد و ناقص فرهنگی با توجه به ظرفیت اقوام و تنوع فرهنگی، توجه ناچیز به حوزه هنر در استان، صنعت توریسم و گردشگری ضعیف، توجه نداشتن به صنایع فرهنگی، استفاده اندک از ظرفیت تنوع فرهنگی، به مقوله فرهنگ در استان توجهی صورت نگرفته یا توجه بسیار محدود و سلیقه‌ای بوده، مفاهیم و مقولات کلی مرتبط با منطق نظری مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان است و بر این اساس صاحب‌نظران معتقدند که این عوامل موجب توسعه نیافتگی در استان شده‌اند.

جمع‌بندی نظرات مصاحبه‌شوندگان

مقوله اصلی	مقوله جزئی	مفهوم	عبارت
توسعه اقتصادی	توسعه سرمایه‌گذاری	ایمنی پایین راهها	در نگاه کلان وضعیت خودروها و ایمنی راهها نقش اصلی در بروز تصادفات دارد.
توسعه اقتصادی	توسعه سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری ناکافی دولت	دولت باید در کردستان سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی کند.
توسعه اقتصادی	توسعه سرمایه‌گذاری	دسترسی ضعیف به امکانات	کمتر در استان‌های برخوردار از توسعه و امکانات مانند یزد، اصفهان، خراسان رضوی و ... اتفاق می‌افتد؛ چرا که این استان‌ها زودتر از استان‌های کردستان، سیستان، لرستان و ... به امکانات دسترسی می‌یابند.

توسعه اقتصادی	توسعه سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری ناچیز بخش خصوصی به دلیل ضعف حمایت دولت	عقب‌نشینی بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در مناطق کم برخوردارمانند کردستان است.
توسعه اقتصادی	رشد اقتصادی	درآمد سرانه پایین	درآمد سرانه کم
توسعه اقتصادی	ضعف صنعت	صنایع تبدیلی اندک	نبود صنایع تبدیلی و تکمیلی تا ارزش افزوده بیشتر نتوانیم ایجاد کنیم.
توسعه اقتصادی	رشد اقتصادی	اقتصاد رانتهی	یک سری افراد ناکارآمد با استفاده از رانتهایی که بوده است به‌جای تولیدکننده فعال
توسعه اقتصادی	توسعه سرمایه‌گذاری	تمایل ناچیز به تولید	انگیزه تولید ایجاد نمی‌گردد.
توسعه اقتصادی	ضعف صنعت	دو درصد کارگاه‌های صنعتی بین پنجاه تا صد نفر	دو درصد صنایع ما برای ۵۰ تا ۱۰۰ نفر اشتغال ایجاد کرده‌اند.
توسعه اجتماعی	مشارکت و ظرفیت‌سازی	ضعف گفتمان توسعه در کشور	گفتمان توسعه هنوز در بسیاری از استان‌ها با مشکل مواجه است.
توسعه اجتماعی	فرصت‌های اجتماعی	محروم بودن نقاط مرزی	محروم‌ترین بخش‌های کشور، نقاط مرزی هستند.
توسعه اجتماعی	کیفیت زندگی	عدالت اجتماعی	کمترین بهره این مناطق، بهبود کیفیت زندگی مردم خواهد بود.
توسعه اجتماعی	کیفیت زندگی	عدالت اجتماعی	امید ما این است که این شرایط برای سایر اقوام نیز ایجاد شده و آن‌ها نیز بدون محرومیت و بر اساس شایستگی وارد مدارج بالای

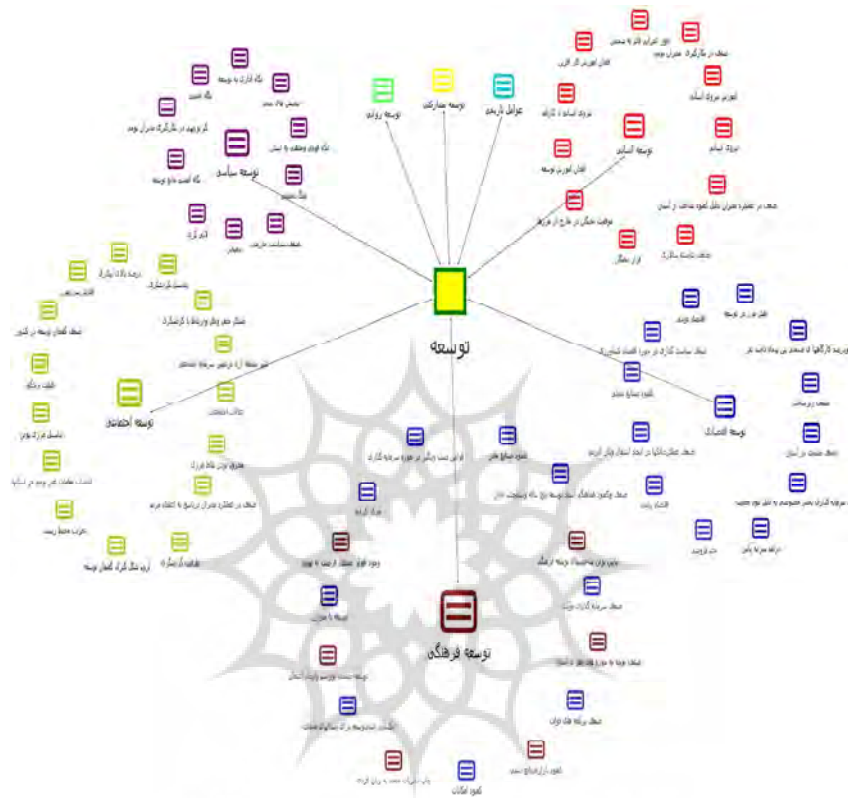
		حکومتی شوند.	
توسعه اجتماعی	مشارکت	پاسخ ناکافی به اعتماد مردم	به سرانجام رسیدن هر یک از این طرح‌ها، ما را به مردم نزدیک و اعتماد مردم به حاکمیت را بیشتر می‌کند.
توسعه اجتماعی	فرصت‌های اجتماعی	امنیت پایدار	حضور مردم یعنی امنیت مردمی، و امنیت مردمی یعنی امنیت پایدار
توسعه اجتماعی	کیفیت زندگی	درصد بالای بیکاری	حل معضل بیکاری در استان
توسعه سیاسی	مشارکت سیاسی	نگاه امنیتی مانع توسعه	ذهنیت‌زدایی امنیتی: که استان آماده پذیرش جذب همه گونه سرمایه‌گذاری را دارا است و هیچ تهدید یا مشکل امنیتی بر آن مرتبط نیست.
توسعه سیاسی	مشارکت سیاسی	نگاه امنیتی مانع توسعه	اوایل انقلاب به علت مسائل خاص سیاسی و امنیتی
توسعه سیاسی	چندگانه‌گرایی	نگاه قومی و مذهبی به استان	به دلیل جو مسموم استان حاضر به سرمایه‌گذاری نیستند.
توسعه سیاسی	چندگانه‌گرایی	نگاه امنیتی	نگاه امنیتی به استان هنوز باقی است.
توسعه سیاسی		جنگ تحمیلی	بعد از انقلاب به دلایل جنگ ایران و عراق که تا سال ۶۷ طول کشید، به مدت ۱۰ سال طول کشید، بعد از جنگ ناامنی هم ادامه داشت تا ۷۲ و ۷۳ ناامنی داشتیم.
توسعه سیاسی	چندگانه‌گرایی	نگاه قومی و مذهبی به استان	متأسفانه بایستی به این هم اشاره کرد که تلقی عمده در بررسی فرهنگ‌ها و اجتماعات قومی به‌مثابه یک‌سوژه سیاسی موجب شده است تا از دیگر جنبه‌های متعدد، متنوع و بکر و ناشناخته این اجتماعات به‌ویژه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن غفلت شود.
توسعه سیاسی	چندگانه‌گرایی	لابی‌گری	متأسفانه در مجلس شاهد نگاه منطقی‌های هستیم.
توسعه سیاسی	چندگانه‌گرایی	لابی‌گری	نمایندگان نیز تلاش دارند برای مناطق خود بودجه بگیرند.

توسعه سیاسی	مشارکت سیاسی	بکارگیری ناچیز مدیران بومی	حضور نیروهای کُرد در مدیریت اجرایی کشور، می‌تواند امکانات را به استان جذب کند.
توسعه سیاسی	مشارکت سیاسی	بکارگیری ناچیز مدیران بومی	مردم کردستان نماینده و نفوذ اندکی در مرکز دارند.
توسعه فرهنگی	صنایع فرهنگی	بازار ضعیف صنایع دستی	فرش جزء فرهنگ مردم کردستان و هنری است که سابقه‌ای دیرینه دارد اما مشکلات خاصی از جمله اینکه نتوانستند بازار خوبی برای آن پیدا کنند.
توسعه فرهنگی	صنایع فرهنگی	توجه محدود به حوزه‌های هنر در استان	جشنواره دف متوقف شده بود که با روی کار آمدن دولت یازدهم، دوباره کار خود را آغاز کرده است.
توسعه فرهنگی	صنایع فرهنگی	وجود تئاتر خیابانی در استان	استان کردستان در زمینه هنرهای نمایشی اعم از تئاتر و سینما نیز توانمند بوده و فیلم‌های کوتاه و بلند و نیز تئاترهای بسیاری در این استان اجرا می‌شود. تئاترهای خیابانی در سال ۶۲ در شهرستان مریوان شکل گرفته است.
توسعه فرهنگی	صنایع فرهنگی	توسعه صنعت توریسم	توسعه صنعت توریسم، نقش بسیار زیادی در ایجاد اشتغال دارد.
توسعه فرهنگی	فرهنگ سیاسی	اقوام مختلف فرصت نه تهدید	از دیدگاه حکومت و دولت؛ وجود اقوام مختلف در ایران، فرصت است.
توسعه فرهنگی	شاخص‌های فرهنگی توسعه	فرهنگ غنی در استان	مردم کردستان به پشتوانه غنای فرهنگی یا بینش عمیق اعتقادی نگاه بسیار مثبتی به آینده [دارند]
توسعه فرهنگی	فرهنگ سیاسی	فرهنگ غنی در استان	از مختصات انکارناپذیر جامعه ایران، زیست چند فرهنگی و تنوع فرهنگی و قومی است.
توسعه فرهنگی	شاخص‌های فرهنگی	فرهنگ غنی در استان	کردستان از کهن‌ترین، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین حوزه‌های فرهنگی ایران‌زمین است.

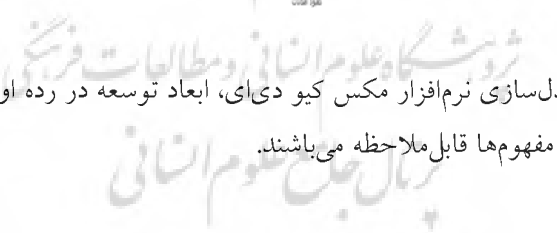
بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نیافتگی استان کردستان ... ۲۱۳

	توسعه		
توسعه فرهنگی	صنایع فرهنگی	فرهنگ غنی در استان	با محور قرار دادن دانش‌های بومی و محلی و پذیرش نظام معنایی و فرهنگی می‌توان به توسعه به‌مثابه تولید و توسعه به‌مثابه هویت دست‌یافت. با وجود مدل‌های بومی ضعیف توسعه، امروزه شاهد از جا کنده‌گی فرهنگی، چندپارگی اجتماعی و فعال شدن شکاف‌های اجتماعی در منطقه از جمله شکاف مرکز - پیرامون هستیم.
توسعه فرهنگی	شاخص‌های فرهنگی توسعه	جشنواره و همایش معرفی صنایع دستی	جشنواره‌ها همچنین آموزش متخصصان صادرکننده فرش و احیای این ظرفیت و ایجاد زنجیره تولید و عرضه فرش در استان داریم. تولید پشم و ریسندگی و بافندگی و پرداخت و دوردوزی و صادرات فرش
توسعه فرهنگی	شاخص‌های فرهنگی توسعه	فرهنگ غنی در استان	سندج می‌تواند به‌عنوان پایتخت موسیقی غرب ایران شناخته شود. کردستان به لحاظ سنت‌ها و آیین‌های بومی، ذخیره‌گاه فرهنگی ایران است.
توسعه فرهنگی	شاخص‌های فرهنگی توسعه	فرهنگ غنی در استان	نحوه پوشش، تاریخ، زبان، صنایع دستی و ... بخشی از فرهنگ این منطقه است.
توسعه فرهنگی	شاخص‌های فرهنگی توسعه	رشته تحصیلی زبان کردی	در دانشگاه کردستان زبان کردی تدریس شده
توسعه فرهنگی	شاخص‌های فرهنگی توسعه	پایین بودن شاخص‌های توسعه فرهنگی	شاخص‌های توسعه فرهنگی در استان کردستان نسبت به کل کشور بسیار پایین بوده و هنوز هم هست.
توسعه اجتماعی	کیفیت زندگی	محیط زیست آسیب‌دیده	متأسفانه طی سال‌های اخیر، سیاست‌های اعمال شده و نیز خشک‌سالی باعث نابودی این گیاهان شده است.

نقشه مکس کیو دی‌ای



با استفاده از مدل‌سازی نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای، ابعاد توسعه در رده اول و دسته‌بندی مسائلی بعدی و مفهومی قابل ملاحظه می‌باشند.



تحلیل پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های مطرح شده در این پژوهش که برگرفته از چارچوب مفهومی با توجه به نظریه پارسونز، گرب و تئوری دولت‌محوری که بر تجزیه و تحلیل موقعیت و نقش ساختار قدرت بر کنترل منابع مادی تولید و منابع انسانی و تحلیل نقش ساختار ایدئولوژیک بر کنترل عقاید و دانش (قومیت و مذهب) و همچنین بررسی عوامل ذکر شده بر خرده نظام فرهنگی و تأثیر خرده نظام فرهنگی بر سایر خرده نظام‌ها (خرده نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) می‌پردازد؛ نگارنده بر این اساس به تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از پژوهش پرداخته است:

۱- بر اساس نتایج به دست آمده، پرسشی که بر توصیف و تحلیل تأثیر ساختار ایدئولوژیک (کنترل عقاید و دانش) بر خرده نظام فرهنگی پرداخته؛ روشن‌گر آن است که در هر ایدئولوژی رفتارهای خاصی مستتر است؛ از هر ایدئولوژی، سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منحصر به آن ایدئولوژی استخراج می‌شود، هر ایدئولوژی از طریق اعمال سیاست‌های ویژه و منحصر به خود، چارچوب عینی ویژه‌ای را ایجاد می‌کند که هر کدام از این چارچوب‌ها باعث بروز نوع خاصی از رفتار می‌شوند در نتیجه با شکل‌گیری این رفتارها، فرهنگ و ارزش‌ها در جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین فرهنگ تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم بر جامعه بوده و تغییرات فرهنگی در جامعه را به وجود می‌آورد. این ایدئولوژی و چارچوب‌ها در تمام ابعاد زندگی انسان؛ از جمله اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نمود پیدا کرده و نحوه رفتار مردم در اجتماع را شکل می‌دهد. بر این اساس رفتار مردم در بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی استان کردستان (گفتمان ضعیف توسعه، روحیه پایین تولید، سرمایه‌گذاری ناپیچ؛ مهاجرت منطقه‌ای نخبگان، پشتکار ناکافی، زیرساخت‌های ضعیف روانی، اعتماد ناپیچ به دولت و احساس نیاز اندک به پیشرفت) که از مصاحبه‌ها استخراج شده، جایگاه ساختار ایدئولوژی در خرده نظام فرهنگی را روشن‌تر به مخاطب می‌نمایاند.

۲- بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، پرسشی که بر چگونگی و تحلیل ایفای نقش ساختارهای قدرت و خرده نظام فرهنگی؛ با توجه به ساختار قدرت می‌پردازد. کنترل منابع مادی و تولید، کنترل منابع انسانی، کنترل عقاید و دانش در جامعه که شامل عوامل: سرمایه‌گذاری ناکافی در بخش‌های صنعتی، خدماتی و تولیدی، به‌کارگیری اندک توان نیروی انسانی بومی، زیرساخت‌های ناکافی و تمرکزگرایی و... بنابراین توسعه‌نیافتگی در ساختار قدرت بیشتر رخ می‌نماید.

۳- بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، در پرسش تحلیل جایگاه خرده نظام فرهنگی بر توسعه‌نیافتگی؛ با توجه به ساختار ایدئولوژی و ساختار قدرت و تأثیر بر خرده نظام فرهنگی، دولت می‌تواند در شیوه تقسیم منابع ثروت و قدرت در قالب برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دخالت مستقیم و غیرمستقیم داشته باشد. از طرف دیگر می‌تواند بر چگونگی ورود شیوه‌های نوین تولید و چگونگی آمیزش آن‌ها، ابعاد سازنده و مخرب توسعه و حتی بر بسترهای تاریخی و مسیرهای متفاوت توسعه نیز از طریق اعمال قدرت و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی اثرگذار باشد. از آنجایی که توسعه در کردستان از نوعی الگوی توسعه خاص معطوف به بستر تاریخی تبعیت کرده است و این الگوی توسعه خاص متأثر از منطق حاکم بر جوامع چند قومیتی و چند مذهبی به‌عبارت‌دیگر چند خرده‌فرهنگی کشورهای در حال توسعه و عملکرد نظام سیاسی در سرمایه‌گذاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که همواره میزان توسعه‌یافتگی اندک را به دنبال دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از محوری‌ترین مفاهیم در بخش توسعه با تمام ابعاد و شاخص‌ها مفهوم مشارکت است. مشارکت در توسعه اقتصادی با حضور بخش خصوصی در بازار و فعالیت‌های اقتصادی میسر می‌گردد. در بخش اجتماعی و سیاسی تقویت مشارکت جامعه مدنی و احزاب و بازی آن‌ها در فضای اجتماعی و سیاسی بستر را برای توسعه در این بخش‌ها

فراهم می‌کند و مشارکت مردم، جامعه مدنی و دولت به همراه هم در حفظ و حراست از محیطزیست، توسعه پایدار را محقق می‌کند اما همه این‌ها در یک بستر فرهنگی باید اتفاق بیفتند؛ یعنی توسعه فرهنگی به موازات تمام ابعاد توسعه باید مورد توجه روزافزون برنامه ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرد. در چارچوب مفهومی مطرح شد که پارسونز در تئوری خود، به فرهنگ بارزترین نقش و بیشترین انرژی را اختصاص می‌دهد و معتقد است انرژی از بخش فرهنگی به سایر بخش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جریان می‌یابد و این نظر برخلاف دیدگاه متفکرین مکتب تضاد یعنی مارکسیست‌ها است که بیشترین نقش را به بخش اقتصادی می‌دهند؛ جالب اینجاست که هردو مکتب از دو زاویه به بحث تبعیض و نابرابری نگاه می‌کنند، کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، دستاوردها و امکانات جامعه یکی از معیارهای اساسی توسعه به شمار می‌رود. تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی‌ها و عدم توجه به دیگر مناطق از موانع دسترسی به توسعه پایدار و همه‌جانبه است. یکی از آسیب‌هایی که سیاست‌گذاران در بخش توسعه به آن توجه نمی‌کنند وجود تمرکزگرایی و تبعیض در اختصاص و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در بخش‌های مختلف است که به توسعه نامتوازن دامن می‌زند به همین دلیل است که برخی بخش‌ها توسعه‌یافته‌تر و برخی اصطلاحاً توسعه‌نیافته مورد خطاب قرار می‌گیرند. در توسعه فرهنگی نهادهای فرهنگی نظیر آموزش و پرورش، آموزش عالی، رسانه‌ها، فرهنگسراها و مراکز مذهبی می‌بایست بستر را برای توسعه فرهنگی و به موازات آن توسعه برای سایر بخش‌ها را فراهم نمایند.

منطقه مورد بحث نگارنده در این پژوهش استان کردستان است که یکی از مناطقی است که صفت توسعه‌نیافته و محروم را با خود یدک می‌کشد در این مجال نگارنده با استعانت از تحلیلی که در پاسخ‌های سطور پیشین آمد و تبیین جایگاه استان در شاخص‌های توسعه‌ای به تحلیل وضعیت این استان می‌پردازد. در آماری که در سطور پایین آمده نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که ایران سی‌ویک استان دارد و کردستان به‌طور میانگین در جایگاه ۲۷ قرار دارد. آمارهای زیر این پرسش را به ذهن

مخاطب متبادر می‌کند که چرا با وجود ظرفیت‌های بالای طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وضعیت استان این‌گونه است؟ جایگاه استان کردستان بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۹۵، در زمینه آژادراه‌ها رتبه ۲۷، وجود بزرگراه رتبه ۲۵، تعداد کارگاه‌های دارای ۵۰ نفر کارکن و بیشتر رتبه-ی ۲۹، درآمد سرانه رتبه ۲۹، سهم بخش صنعت و معدن رتبه ۲۷، سهم از اقتصاد ملی رتبه ۲۵، ارزش افزوده کارگاه‌های صنعتی رتبه ۲۹، نرخ بیکاری رتبه ۲۵، مساحت فضای سبز رتبه ۲۷، مناطق تحت مدیریت حفاظت محیط‌زیست رتبه ۱۹، نرخ بیکاری روستایی رتبه ۲۹، نرخ بیکاری جمعیت ۲۴ تا ۲۵ سال رتبه ۲۷، تعداد شرکت‌های تعاونی رتبه ۲۳، خانوارهای تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی رتبه ۲۳، نسبت دانشجو رتبه ۲۹، میزان تولید برنامه‌های تلویزیونی رتبه ۱۷، تعداد صندلی‌های سینما رتبه ۱۶، تعداد کتابخانه‌ها رتبه ۱۵، تعداد کتاب‌های موجود رتبه ۱۸، نرخ باسوادی رتبه ۲۳، مشترکان اینترنتی رتبه ۲۳، وجود کانون‌های فکری کودکان و نوجوانان رتبه ۲۹ و تعداد گردشگران رتبه ۳۱ را به خود اختصاص داده است.

علت را با توسل به نظریه پارسونز در چند نکته در پاسخ به پرسش بالا روشن می‌نماییم، زبان مردم این استان کردی و اکثر مردم مسلمان و اهل تسنن می‌باشند. تبعیضی که در کشور در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و توسعه‌ای وجود دارد، ریشه در نادیده گرفتن ظرفیت‌های بالای فرهنگی این قوم و نگاه امنیتی آسیب‌زای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به این منطقه - که البته ریشه در اتفاقات دهه‌های اول انقلاب اسلامی دارد - است و همچنین این نظر تبعیض‌آمیز در بین قانون‌گذاران و مجریان و برنامه‌ریزان که سایر مذاهب و فرقه‌ها نسبت به مذهب رسمی کشور در جایگاهی نازل‌تر قرار دارند. شایان‌ذکر است پس از انقلاب اسلامی گروه‌هایی با انگیزه تجزیه‌طلبی در این منطقه برخاستند و در دهه‌های شصت و هفتاد به موازات جنگ تحمیلی مشکلات بسیار برای مردم و منطقه ایجاد نمودند، مشکلاتی که دولت مرکزی را بر آن داشت که نگاه امنیتی شدید بر منطقه داشته باشد. اما فروکش کردن تب این

انگیزه‌ها در دهه‌های اخیر موجب نشده نگاه امنیتی مجریان، سیاستمداران و برنامه ریزان در مسیر توسعه به این منطقه کاهش یابد.

جنگ و مسائلی که در سطور پیشین آمد خود باعث فرار سرمایه و حتی فرار مغزها از این مناطق گردید، در قانون اساسی آمده که حقوق اقلیت‌ها و سایر مذاهب باید استیفا گردد، اما در عمل مردم این منطقه که عمدتاً از مسلمانان اهل تسنن هستند با تبعیض در تصمیم سازی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در بخش‌های مختلف توسعه مواجه می‌باشند، پس بی‌توجهی به ظرفیت‌های فرهنگی و تبعیض به دلایل قومیتی و مذهبی خود ریشه بسیاری از عقب‌ماندگی‌ها و کاستی‌هاست. متفکری به نام ویلیام اسچر در کتاب تغییر فرهنگی و مقاومت در سال ۲۰۱۰ در دانشگاه سوکا در آمریکا، که به توسعه صلح‌آمیز و انسانی اختصاص یافته به این مسئله می‌پردازد که جوامع چگونه با چالش افزایش توسعه و فرهنگ برای افزایش کرامت انسانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. حال با توجه به پاسخ پرسش‌ها به‌طور خلاصه به تحلیل چرایی این وضعیت می‌پردازیم. همان‌طور که پایداری جنبه‌های چندگانه توسعه، مسئله اصلی توسعه است، مسئله فرهنگ و نقش آن در فرایند تغییر، حیاتی است. با توجه به تحقیقات پیشین همچنین اطلاعات و داده‌های به‌دست‌آمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده، اکثر صاحب‌نظران معتقدند که سیاست‌های دولت بر ساختار قدرت و ایدئولوژی اثرگذار بوده، علاوه بر این تأثیر سیاست‌ها بر نقش فرهنگ و برنامه‌ریزی نیز مورد تأکید آن‌ها است، این عوامل بر مشارکت اجتماعی، دسترسی به امکانات، انسجام و همبستگی، رفتار کنشگران در حوزه اقتصاد، فرهنگ، سیاست و... تأثیرگذار می‌باشند.

همچنین صاحب‌نظران به مفاهیمی مانند ایمنی پایین راه‌ها، سرمایه‌گذاری ناکافی دولت، سرمایه‌گذاری ناکافی بخش خصوصی به سبب حمایت ناکافی از طرف بخش دولتی، درآمد سرانه پایین، وجود اقتصاد رانتی، ضعف سیاست‌گذاری در حوزه اقتصاد، قوانین دست و پاگیر در حوزه سرمایه‌گذاری، زیرساخت‌های ناکافی و نامناسب، ضعف صنعت، لزوم شکل‌گیری گفتمان توسعه، استفاده ضعیف و اندک از پتانسیل‌های مرزی،

اشتغال ناکافی در حوزه کشاورزی، ضعف شاخص‌های کیفیت زندگی، تخریب محیط‌زیست، محروم بودن مناطق مرزی، پاسخ ضعیف به اعتماد مردم از سوی دولت، درصد بالای بیکاری، مهاجرت نخبگان، بکارگیری اندک نیروهای بومی، آموزش ضعیف و ناکافی در بخش کارآفرینی، نگاه امنیتی، نگاه قومی - مذهبی، جنگ تحمیلی، وجود لابی‌گری در سطوح بالای مدیریتی و مدیریت کلان کشور، رونق ناکافی بازار صنایع دستی، توجه اندک به حوزه‌های هنری و صنایع فرهنگی در استان و ضعف صنعت توریسم و گردشگری اشاره نموده‌اند.

روند نوسازی در کردستان بنا بر تبعیض‌هایی که بر اساس استدلال‌های پیشین در بخش قومیتی و مذهبی به آن اشاره شد و می‌توان آن‌ها را متغیرهای فرهنگی به شمار آورد، به‌گونه‌ای پیش رفته که کردستان را یک مرحله عقب‌تر از مراحل کلی توسعه در ایران نگه داشته است. تفاوت در شاخص‌های فرهنگی - هویتی کردستان با دیگر اقوام و جامعه مسلط ایرانی نه تنها در کردستان روند گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن را مختل نموده، بلکه درون ساختار قومی و هویتی کردستان نیز رخنه کرده است. در این الگوی فرهنگی توسعه، تأکید باید بر عوامل فرهنگی - هویتی باشد که می‌تواند بر تقسیم منابع ثروت و قدرت تأثیر بگذارد. توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی در کردستان که با توسعه نامتوازن، توسعه وابسته و توسعه خاص تاریخی مشخص می‌شود، مستقیماً تحت تأثیر عامل اساسی‌تر و زیرین یعنی عملکرد و ساختار نظام سیاسی (ساختار قدرت) است. اگر کشوری در مسیر تحولات مثبت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حرکت کند در واقع از کانون‌های عقلایی قدرت بهره‌مند است. وضعیت حوزه قدرت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است. مبنای توسعه فرهنگی، تربیت یک جامعه است، که توسط نهاد خانواده و آموزش پرورش و در سطوح عالی‌تر آموزش عالی و فرهنگسراها صورت می‌گیرد، این تربیت شامل ورود عقل و منطق تدبیر و بزرگ‌منشی، احترام در نظام آموزشی، نظام دولتی و اجتماعی است. اگر تدبیر تربیت درست و رفتار منطقی توسط آموزش و روند درست، درونی

سازی قرار گیرد، رفتار انسان‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به نحوی عمل می‌کند که هم موجب توسعه در این بخش‌ها می‌گردد و هم با روندی دیالکتیکی این توسعه، باز به بخش فرهنگ بازمی‌گردد، بنابراین استدلال توسعه فرهنگی شاخص مهم و اثرگذاری در پیشرفت جوامع محسوب می‌شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده نابرابری‌ها در توسعه و عدم تعادل منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه در استان مشهود است، همین تبعیض‌ها و نابرابری‌هاست که هم از محقق شدن عدالت اجتماعی در جامعه جلوگیری می‌کند و هم به‌عنوان مانع توسعه در تمام بخش‌ها موجب پایین‌تر آمدن شاخص‌های کیفیت زندگی در این مناطق می‌گردد. با توجه به ادبیات تحقیق و نظریه‌هایی که اولویت را در توسعه به عامل فرهنگ می‌دهند و همچنین نتایج تحقیق‌های داخلی و خارجی که در پیشینه آمد و مقایسه با نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق حاضر، نشان‌دهنده برتری جایگاه عامل فرهنگ بر دیگر عوامل توسعه است برای مثال در تبیین فرهنگ و اقتصاد می‌توان گفت اولاً رفتارهای پایدار انسانی حاصل و متأثر از فرهنگ است، ثانیاً فعالیت‌های اقتصادی از جمله رفتارهای اقتصادی انسان است و در نتیجه جزئی از مجموعه رفتارهای انسانی به شمار می‌آید و ثالثاً رفتارهای اقتصادی مبتنی بر فرهنگ است و رفتارهای پایدار خاص نتیجه فرهنگ خاص است. افزایش قدرت انتزاعی و عینی زمینه‌ساز ارتقاء حاکمیت ملی، حفظ فرهنگ ملی، رضایتمندی شهروندان و تأمین امنیت ملی را فراهم می‌نماید. افزایش قدرت نیازمند شناخت است و این شناخت باید در اختیار دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد و در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها مدنظر قرار گیرد. در سیاست‌گذاری تفاوت‌ها ظرفیت عظیمی است که توسط برنامه ریزان و سیاست‌گذاران باید پذیرفتنی باشد. ایجاد یک جو سالم فکری در جامعه، افراد جامعه‌ای که با یکدیگر همکاری کنند و اختلافات را کنار بگذارند و نحوه برخورد و حل اختلافات را آموخته باشند، حرکت به سمت توسعه برای آن جامعه آسان‌تر خواهد بود و تا زمانی که تناقضات فکری بین سیاست، فرهنگ و اقتصاد در کشور کنار گذاشته نشود و زمینه همگرایی بین افراد

جامعه به وجود نیاید راه توسعه، راه همواری نخواهد بود. باید تغییرات فرهنگ، اقتصاد و سیاست هم‌زمان ایجاد گردد، زیرا شکاف و حرکت ناهماهنگ و نامتناسب این سه عامل موجب اختلال در حرکت کل نظام اجتماعی می‌گردد. مهم‌ترین شاخص برای مشاهده انسجام فکری و درونی و عملی جامعه علاقه‌مند به توسعه، تجانس فرهنگی از یک سو و سیستم اقتصادی و سیاسی آن از سوی دیگر است. یکی از عواملی که بسیار تعیین‌کننده است و توسعه‌یافتگی جامعه را جهت می‌دهد استفاده از توانایی‌های فکری و سازماندهی نخبگان یک جامعه است. توسعه‌یافتگی تابع اقتصاد به‌تنهایی نیست و به‌طور ریشه‌ای تابع فرهنگ است، رشد فرهنگی هر جامعه‌ای هم تابع کثرت‌گرایی فرهنگی می‌باشد. در حوزه سیاسی آلودگی جو تصمیم‌گیری و اجرایی و اختلافات سیاسی باعث کاسته شدن از اهمیت و انجام موفقیت‌آمیز برنامه‌ها می‌شود. فرآیند شناخت مسائل و تجزیه و تحلیل این مشکلات و انتخاب راه‌های مناسب برای حل آنها بهترین عملکرد را برای حوزه سیاست فراهم می‌نماید. مؤلفه‌های فرهنگی و تبدیل آن به شاخص‌هایی که از طریق سرانه سازی و هدفمند کردن و سازماندهی بهتر و به‌طور کلی بهبود کارکرد دستگاه‌های مدیریتی در این حوزه توجه به رهیافت تعادل و توازن منطقه‌ای برای برنامه ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی، بسیار ضروری است و استفاده از دستاوردهای نوین در ارائه خدمات فرهنگی در سطح استان امری لازم است که می‌تواند زیربنای توسعه استان را فراهم نماید.

پیشنهادها

برای برون‌رفت از توسعه‌نیافتگی استان، راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- تقویت مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
- ایجاد بسترهای فرهنگی در آموزش و پرورش و آموزش عالی استان با توجه به ظرفیت‌های فرهنگی
- رفع تبعیض در برنامه‌ریزی سیاست‌گذاری و اجرا

- تمرکززدایی و رفع نگاه امنیتی از سوی سیاست‌گذاران و برنامه ریزان
- استفاده از ظرفیت و پتانسیل فرهنگی استان در حوزه گردشگری و صنایع دستی
- بکارگیری افراد توانمند بومی استان در حوزه‌های مدیریتی
- در نظر گرفتن پتانسیل قومیت‌ها به‌عنوان فرصت نه تهدید
- اختصاص ظرفیت و سهمیه به نخبگان در حوزه کلان مدیریتی کشور صرف‌نظر از قومیت و مذهب
- برنامه‌ریزی جهت ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی در حوزه مواد اولیه و خام موجود در استان (معادن و کشاورزی)
- توسعه راه هوایی و ایجاد راه ریلی و بهبود زیرساخت‌های استان
- حمایت از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی توسط دولت و ارائه بسته‌های تشویقی جهت جذب سرمایه‌گذار
- افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع فرهنگی و گردشگری
- توسعه سرمایه‌گذاری بخش دولتی در راستای حمایت از بخش خصوصی
- توجه به ظرفیت مرز در استان و توسعه صادرات و ایجاد اشتغال

منابع

- آسایش، حسن. (۱۳۸۱). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، تهران: انتشارات پیام نور.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۷). *توسعه پایدار روستایی*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی توسعه، اصول و نظریه‌ها*، تهران: انتشارات علم.
- اخوی، احمد. (۱۳۷۳). *تجارت بین‌الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی*، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- بیت، ریچارد؛ ویک، الینهارت. (۱۳۸۹). *نظریه‌های توسعه*، ترجمه: مصطفی ازکیا، رضا صفری شامی، اسماعیل رحمان پور، تهران: نشر سویه.
- توسلی، محمد. (۱۳۸۲). *توسعه اقتصادی - مفاهیم - مبانی نظری - رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
- حریری، نجلا. (۱۳۹۰). *اصول و روش‌های پژوهشی کیفی*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- دوپوئی، گزابه. (۱۳۷۴). *فرهنگ و توسعه*، ترجمه: فاطمه فراهانی و عبدالحمید زرین قلم، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- زیاری، کرامت‌الله؛ شاه‌آبادی، علیرضا. (۱۳۸۰). «سنجش درجه توسعه یافتگی روستاهای استان یزد»، ویژه‌نامه *جغرافیا و توسعه*، سال هفتم، شماره ۱۳، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- زاهدی‌مازندرانی، محمد جواد. (۱۳۸۲). *توسعه و نابرابری*، تهران: نشر مازیار.
- *سازمان برنامه و بودجه*. (۱۳۷۸). *سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگ؛ پیوست شماره ۲، جلد اول*.
- سرایی، محمدحسین؛ طلاووسیان، علی؛ الله‌وردی، مرادعلی. (۱۳۹۳). *سطح‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه بویراحمد با تأکید بر مولفه‌های فرهنگی*، فصلنامه *برنامه‌ریزی*، سال پنجم به شماره ۲۰.
- عبداللهی، محمد و دیگران. (۱۳۶۷). *سرمایه اجتماعی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- عظیمی، حسین. (۱۳۶۹). *توسعه، فرهنگ، آموزش. اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال ۵، شماره

- عظیمی، حسین. (۱۳۷۶). *ایران و توسعه صنایع و معادن*، اصفهان: نشر اتاق بازرگانی.
- عنبری، موسی. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ*، تهران: انتشارات سمت.
- کلاتری، خلیل. (۱۳۹۳). *برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای*، تهران: انتشارات خوشبین.
- کوه شکاف، ناهید. (۱۳۷۸). *توسعه‌نیافتگی و چالش‌های قومیدر مناطق کردنشین کشور*
مروری بر شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصادی استان‌های کردنشین غرب کشور در
سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۸.
- گرب، ادوارد. (۱۳۷۳). *نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌ها و نظریه پردازان کلاسیک و معاصر*،
ترجمه: محمد سیاهپوش و احمد رضا غروی زاده، تهران: نشر معاصر.
- گیلیس و همکاران. (۱۳۷۹). *اقتصاد و توسعه*. ترجمه: غلامرضا آزاد (ارامکی). تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد، (۱۳۹۲). *تجربه نوسازی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- موسائی، میثم. (۱۳۸۶). *دین و فرهنگ توسعه*، تهران: معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان
تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- میر، جرالذ. (۱۳۷۸). *اقتصاد توسعه*، ترجمه: غلامرضا آزاد (ارامکی)، تهران: نشر نی.
- میرهای، محمد، عارفی، مسلم، رشنوفر، آیت. (۱۳۹۴). *پژوهشی بر توسعه‌یافتگی و نابرابری آن در*
استان لرستان، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۶ شماره ۲۱.
- وفایی سعدی، خسرو. (۱۳۸۰). *انفکاک ساختار اجتماعی و توسعه سیاسی ایران*، بین انقلاب
مشروطیت و انقلاب اسلامی، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال ۴، شماره ۶.
- Misra, Arpi. (1987). "Issues on Rural Development", *Jihad Journal*, Issue 17.
- Ascher, W., & Hefron, J. (Eds.). (2010). *Cultural change and persistence: new perspectives on development*. Springer
- Gabriel, A., & Verba, S. (1980). *The Civic Culture Revisited*. Boston (Mass.), Little, Brown and Co.
- Globalisation, E. (2002). Thandika Mkandawire Director United Nations Research Institute Stiglitz, J. (2008). "The Triumphant return of John Maynard Keynes" in: Guatemala Times. December 5th Issue.
- Kirkpatrick, C., George, C., & Curran, J. (2001). *Development of criteria to assess the effectiveness of national strategies for sustainable development*. Institute for Development Policy and Management, University of Manchester.

- on Social Development Geneva, Switzerland Keynote Address: Annual Conference of the South African Sociological Association. African Sociological Review, 6(1).
- Pacione, M., (2003). *Urban Geography*, A Global Perspective, 2th, London
- Stiglitz, J. (2008). "*The Triumphant return of John Maynard Keynes*" in: Guatemala Times. December 5th Issue.
- Rosenbaum, W. (1975). *political culture*, New York: praeger publishers Verba, Sidney, "On Revisiting the civic culture Revisited.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی